

پاسخ کارگاه های متن پژوهی فارسی دهم

نیمسال اول

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی چهارم

درس اول: چشمه

تکمرو زبانی

- ۱- همسری: رقابت، برابری ۲- راست: عینا، درست
- ۲- یک چشمه غلغله زن، چهره نما و تیز پا ز سنگی جدا گشت
یک چشمه: نهاد غلغله زن، چهره نما و تیز پا: قید یا صفت
سنگ: متمم (از نوع متمم اسم) جدا: مسند گشت: فعل

تکمرو ادبی

- ۱- بیت اول: شکن از مو گشادن: کنایه از زلال شدن ماه: استعاره و تشخیص مو، سر، رخ: تناسب مو: استعاره از آب شکن: استعاره از موج
- بیت دوم: کف بر دهان زدن: کنایه از خشم و هیاهو صدف و تیر: استعاره و تشخیص تیر و هدف / کف و دهان: تناسب
- چون صدف و چو تیر: تشبیه صدف و هدف: جناس ناقص
- ۲- چشمه نماد انسان های خودخواه و خودبزرگ بین که هیچکس را بهتر از خود نمی دانند.
- ۳- از همه شیرین سخنی گوش ماند (مزه شیرین برای حس شنوایی)
- ۴- گوش: مجاز از شنیدن خاک: مجاز از زمین

تکمرو فکری

۱- فهمید که در برابر عظمت دریا چقدر ناچیز و حقیر است و با سکوتش فروتنی را پیشه کرد.

۲- مفهوم: ترسناکی دریا

۳- آ) هر دو در قالب مثنوی هستند (ب) درون مایه هر دو تاکید بر فروتنی است

پ) توصیف، تصویر سازی و تعداد ابیات شعر نیما بیشتر است

درس دوم: از آموختن ننگ مدار

تکمر و زبانی

۱- داد: حق داد: ادا کرد، به جا آورد

نهاد: سرشت نهاد: قرار داد

۲- غم و شادی / نیک و بد / هنر و عیب / حق و باطل /

امید و نومیدی / ایمن و نایمن

۳- تا توانی: حذف نهاد به قرینه لفظی / امید را در نومیدی: حذف فعل به قرینه لفظی

۴-

مضارع اخباری	منفی	امر	فعل
می شنوی	نشنیده بودی	بشنو	شنیده بودی
می روی	نرو	برو	داری می روی
می پرسید	نپرسید	پرسید	خواهید پرسید

تکمر و ادبی

۱- افزایش تاثیر سخن بر شنونده، به تفکر واداشتن و ایجاز و خلاصه شدن کلام

۲- گندم نمای جو فروش: ریاکار داد از خویشتن دادن: حق مطلب را ادا کردن، به عدل و انصاف

رفتار کردن

تکمر و فکری

۱- برای هر کار خوب یا بدی شاد یا غمگین شدن

۲- پوشاندن اسرار، خویشتن داری و پنهان کردن غم و شادی

۳- ریاکاری

۴- به هر نیک و بد زود شادان و زود اندوهگین مشو

۵- اندر هر کاری داد از خویشان بده

درک و دریافت : دیوار

- ۱- بنا نماد کسی که مسبب جدایی است و دیوار نماد جدایی
- ۲- زاویه دید : سوم شخص . شخصیت اصلی : پسر کوچکی است که دیوار را دیوی می بیند که مانع همزیستی و رابطه انسانها با یکدیگر می شود.

درس سوم : پاسداری از حقیقت

شماره زبانی

- ۱- مترادف : بلند متضاد : حسیض
- ۲-

هسته	وابسته	وابسته
اسم	مضاف الیه	مضاف الیه
مهر	مادر	تو
سر	کودک	عقل

شماره ادبی

- ۱- مرگت زندگی را به سخره گرفت / تنها تر از شجاعت / درختان... به احترام تو قیام کرده اند
- ۲- شعر سپید است ؛ زیرا وزن عروضی دارد اما آهنگ ندارد
- ۳- «درختان را دوست دارم / که به احترام تو قیام کرده اند» شاعر برپا ایستادن درختان را به این دلیل می داند که می خواهند به امام حسین (ع) احترام بگذارند و این یک علت ادبی است نه طبیعی

شماره فکری

- ۱- شهادت در راه خدا و مرگی که معیار حق و باطل باشد.

۲- عقل را مانند کودکی ناتوان توصیف کرده که از درک عظمت امام عاجز است.

۳-آ) هیچ گودالی چنین رفیع پیرس

ب) بر تالابی از خون خویش شهادت است

درس پنجم : بیداد ظالمان

تلمیح و زیبایی

۱- طالع - عرش - محنت - اجل - عوعو - تاثیر

۲-آ) کشت : از بین برد (ب) خاموش کرد

۳- بخت : طالع اعتبار : رونق

تلمیح و ادبی

۱- قافیه : جهان و زمان ردیف : شما نیز بگذرد

۲- مصرع اول : کنایه از صبر و شکیبایی / مصرع دوم : پایان دوران قدرت

۳- شیر : استعاره از انسان های توانمند و شایسته

سگان : فرمانروایان ناشایست و ستمگر

تلمیح و تکرار

۱- مفهوم بیت : ناپایداری قدرت و نابودی ستم

۲- رمه : مردم چوپان : ماموران حاکم ستمگر گرگی : درنده خویی ، رفتار دور از انسانیت

۳- سخن امام علی معادل ابیات : ۱ و ۵ و ۶ آیه معادل بیت : ۳

۴- چون داد عادلان به جهان در وفا نکرد بیداد ظالمان شما نیز بگذرد

درک و دریافت : شعر خوانی همای رحمت

۱- با استفاده از آرایه های ادبی و لغات پر معنا

۲- امام مظهر رحمت و سعادت ، واسطه رسیدن به خدا ، مهربان و بخشنده ، با گذشت ، متعهد ، وفادار به عهد و شجاع

درس ششم : مهر و وفا

تلمیرو زبانی

۱- حضرت : حضور ، مجلس (در درس : پیشگاه)

معاش : مایه زندگی و روزی

۲- خدایش در همه حال از بلا ننگه دارد (ننگه داردش = او را) مفعول

فرشته ات به دو دست دعا ننگه دارد (ننگه داردت = تو را) مفعول

تلمیرو ادبی

۱- سرو زرو دل و جانم فدای آن یاری که حق صحبت مهر و وفا ننگه دارد

سر ، دل و جان : مجاز از همه وجود زر : مجاز از ثروت ، دارایی

۲- آ (پیام آور عاشق و معشوق ب) امانتدار و مورد اعتماد بودن

پ (سخن چین) عطر یار را می پراکند

ت (چون آرام می وزد به او صفت بیمار هم داده اند

۳- بو : ۱- آرزو ۲- رایحه

تلمیرو فکری

۱- پایبندی به عشق

۲- بیت دوم

۳- بیت ششم

درس هفتم : جمال و کمال

تأمرو زبانی

- ۱- دولت : نیک بختی ، اقبال ، جاه و جلال کریمی : جوانمردی ، بخشندگی لئیمی : پستی
- ۲- فعل « است » به قرینه معنوی ؛ زیرا از معنی جمله پی به وجود آن می بریم
- ۳- آموزگار ، روزگار ، جاودان

تأمرو ادبی

- ۱- آرایه تضاد
- ۲- قرآن : مشبه به بهشت : مشبه به
- ۳- چاه و گاه
- ۴- قصه حال یوسف را نیکو نه از حسن صورت او گفت ، بلکه از حسن سیرت او گفت تا مگر او را هلاک کنند و عالم از آثار وجود او پاک کنند.

تأمرو فکری

- ۱- زیرا هر دو موجب حیات هستند
- ۲- عالمیان بدانند برابر نیاید
- ۳- قصه حال یوسف ... نیکو رو
- ۴- هر دو بر صبر تاکید شده است (صبر مشکل گشاست)

درس هشتم : سفر به بصره

تأمرو زبانی

- ۱- در معنای دانش : مردی اهل بود و فضل داشت / در معنای لطف ، عنایت بخشش و رحمت : از فضل و رحمت کردگار نومید نباید شد

واژه	مترادف	هم خانواده
کرم	سختوت ، بخشش ، جوانمردی	کرم ، کرامت ، تکریم
انعام	دهش ، عطا ، بخشش ، نعمت دهی	منعم ، نعیم ، نعمت
فراغ	آسایش ، آسودگی	فراغت ، فراغ ، فراغ البال

ع ، ا	ت ، ط	ح ، ه	ذ ، ز ، ض ، ظ	ث ، س ، ص	غ ، ق
عاجزی	تازی	احوال	گذار	پلاس	فراغ
اعرابی	اطلاع	برهنگی	تازی	فصل	قرض
			رمضان ، نظر		

جمله	معنی قدیم	معنی امروزی
باز گرفت	پذیرفت ، نگاه داشت	پس گرفت
شدیم	رفتیم	اسنادی
بازکنیم	پاک کنیم	بگشاییم

۵- تصغیر به معنی کوچکی - دمک و درمک (این دو ک تقلیل دارند که زیر مجموعه تصغیر است)

تمرین ادبی

۱- از برهنگی و عاجزی : وجه شبهه به دیوانه ها : مشبه به مانده : ادات

۲- جملات کوتاه - جابجایی ارکان - مصغر کردن کلمات - فعل دعایی - توصیف دقیق

- ۱- اول به دلیل فقر و نداشتن ظاهر مناسب دوم خواست ابتدا در نامه ای خود راز نظر میزان علم و شایستگی به او معرفی کند
- ۲- مفهوم جمله اول : اشاره به تنگدستی مرد پارسی
- مفهوم جمله دوم : تواضع ناصر خسرو و رعایت احترام و ادب
- ۳- « این فصل بدان آوردم رحیم است.»
- ۴- در برابر سختی ها مقاومت کنیم و به رحمت خداوند امیدوار باشیم.

درس نهم : کلاس نقاشی

تذکره زبانی

- ۱- نقش بندی ، رقم زدن ، بستن ، کشیدن
 - ۲- بر آمدگی پشت پای اسب : کله چنبره گردن : آخره میان دو کتف : غارب
 - ۳- مخمسه - خلف صدق - اسلیمی - وقب - حقیر
 - ۴- صاد : نهاد هرگز : قید جانور : مفعول پهلو : متمم
 - ۵- زنگ نقاشی دلخواه و روان بود (عطف)
- نقش بندی اش دل گشا بود و رنگ را نگارین می ریخت (ربط)

تذکره ادبی

- ۱- معلم مرغان را گویا می کشید در یاد است.
 - ۲- معلم دور نبود : کنایه از با دانش آموزان ارتباط نزدیک و صمیمانه ای داشت
- راه دست خودش هم نیست : کنایه از خودش هم در این کار مهارتی ندارد

تذکره نگری

- ۱- دلخواه و روان بودن کلاس ، روا بودن خندیدن ، سادگی و صمیمیت حاکم بر کلاس

۲- مفهوم جمله اول : به روش پیشینیان عمل می کرد
مفهوم جمله دوم : تصویر اسب از نیم رخ کامل تر بود

درک و دریافت : روان خوانی

۱- با وجود همه مقاومتی که در برابر نگرش جامعه کرد در نهایت تسلیم شرایط آن شد

۲- آن قسمت که نیما را چشم زمانه خود می داند

احمدی

گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی جهرم
تهیه کننده: احمدی

@adbestan94